

تسلیم شدن در برابر چه؟

تسلیم.. چیزی است که برای ما بعد از پذیرفتن قدم یک به عنوان یک واقعیت و پذیرش بهبودی به عنوان راه حل اتفاق می افتد.

راهنمای کارکرد قدم، قدم یک، "تسلیم"

اولین آشنایی ما با قدم‌ها اغلب شورش قدرتمندی در وجود ما برمی‌انگیزد. بسیاری از ما می‌پرسیم که: "در تمام زندگی، من احساس بی‌اختیاری و بی‌قدرتی می‌کردم و حالا شما به من می‌گوئید که عاجز هستم و باید تسلیم شوم؟ آن هم هر روز؟" اگر چه NA یک برنامه عملی است، اما ما خواهان درک، ایده‌ها، مفاهیم و اصول روحانی آن نیز هستیم، زیرا این‌ها شالوده زندگی جدید ما خواهند بود. قبل از اینکه پاک شویم تسلیم برای ما این معنی غیرقابل تصور را داشت: نشان دادن ضعف. در بسیاری از محله‌هایی که در آنجا بزرگ شدیم، تسلیم شدن در اصل بقای ما را تهدید می‌نمود. برای برخی دیگر از ما فکر باختن یا در اشتباه بودن - و بدتر از همه اقرار به آن - سرپیچی از ذات و هسته اصلی وجودمان بود. ما ترجیح می‌دادیم در حد مرگ بجنگیم به جای اینکه شکست را بپذیریم، بخصوص اگر دیگران از آن آگاه می‌شدند.

زمانی که درک بهتری از قدم اول و مفهوم تسلیم پیدا می‌کنیم تشخیص می‌دهیم که توسط حضور در اولین جلسه NA، ما شکست خود را اقرار کرده‌ایم. راهنمای مان به ما می‌گوید: "هیچکس تصادفی اینجا نیست."

بسیار خوب ما اکنون درک می‌کنیم که چسبیدن به انکار را تسلیم کرده‌ایم. متوجه می‌شویم که اعتیاد ما را فرسوده کرده است و ما در برابر آن عاجز هستیم. و مهم نیست که چگونه جنگیدیم، ما به هر حال نمی‌توانستیم مصرف خود را مدیریت کنیم. بله، ما حتی در برابر این ایده که تسلیم یک فرآیند است که ما باید توسط کارکرد قدم‌ها، رفتن به جلسات و خدمت آن را پیگیری کنیم نیز تسلیم شدیم.

ما در حالیکه فکر می‌کنیم خیلی باهوش هستیم می‌پرسیم: "اما من در برابر چه چیز تسلیم می‌شوم؟"

راهنما به ما می‌گوید: "تو داری این کار را انجام می‌دهی، تو در برابر بهبودی به عنوان راه حل تسلیم شدی، اگر می‌خواهی برای چیزی بجنگی برای بهبودی بجنگ."

من لحظه‌ای وقت می‌گذارم تا ببینیم کجا در زندگی خود از پذیرش بهبودی به عنوان راه حل مشکلات خود مقاومت کرده‌ام. من هنوز یک جنگجو هستم اما امروز برای بهبودی می‌جنگم.